

Examining the important rules of human dignity regarding fair trial in Shiite jurisprudence and law

Abstract

Enjoying the right to human dignity is one of the most important human rights. Fundamental human rights, which are closely related to the inherent dignity and moral activity of man, are theoretically undeniable and undeniable, and the government can not encroach on them. These rights are not created by the government to deprive it. The issue of fair trial is one of the most important issues in jurisprudence and law; The trial of criminals in the presence of a jury, as well as the extradition of these criminals, is one of the most important concessions that legislators make to this group of individuals and is directly related to human dignity. Our question in this article was what are the important rules of human dignity regarding fair trial in Shiite jurisprudence and law? Observance of equality, observance of judicial impartiality, observance of the rights of the accused, hearing the statements of the parties, uniformity in the judiciary, equality in the execution of the sentence, issuance of the verdict and not delay in it, the right to use a lawyer, the right to have a lawyer in Iran. The absent defendant, the right to appeal the verdicts in the formal laws, their observance and the place of justice in the judiciary, and finally the need to observe a fair trial constitute these rules, which we have discussed in detail in this article.

Keywords: Jury, Fair Trial, Human Dignity, Shiite Jurisprudence, Islamic Law

ماهنامه علمی (مقاله علمی- پژوهشی) جامعه شناسی سیاسی ایران،

سال پنجم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۴۰۱، صص ۲۳۱۰-۲۲۹۷

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.305354.2318>

بررسی قواعد مهم کرامت انسانی در خصوص دادرسی عادلانه در فقه شیعه و حقوق

فرحناز ناظری شریانی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

علیرضا صابریان^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

مریم آقایی بجنستانی^۳

چکیده

برخورداری از حق کرامت انسانی یکی مهمترین حقوق بشری است. حق‌های بنیادین انسان که ارتباطی وثیق با کرامت ذاتی و فاعلیت اخلاقی انسان دارند، از جهت نظری غیر قابل انکار و غیر قابل سلب‌اند و حکومت نمی‌تواند نسبت به آن‌ها دست‌اندازی کند. این حقوق را حکومت ایجاد نمی‌کند تا بتواند آن را سلب کند. بحث دادرسی عادلانه در فقه و حقوق یکی از مباحث مهم است؛ محاکمه مجرمان با حضور هیأت منصفه و همچنین استرداد این مجرمان از ارفاق‌های مهمی است که قانون‌گذاران در مورد این گروه افراد اعمال می‌کنند و ارتباط مستقیمی با کرامت انسانی دارد. سؤال ما در این مقاله این بود که قواعد مهم کرامت انسانی در خصوص دادرسی عادلانه در فقه شیعه و حقوق کدامند؟ رعایت مساوات، یکسان‌نگری در دادگری، حق بهره‌مندی از وکیل، حق داشتن وکیل در قوانین شکلی ایران، حق واخواهی برای متهم غایب، حق واخواهی از احکام در قوانین شکلی، رعایت‌شان و جایگاه عدالت در دادگستری و نهایتاً لزوم رعایت دادرسی عادلانه این قواعد را تشکیل می‌دهند که به تفصیل در این مقاله بدانها پرداخته‌ایم.

کلیدواژگان: هیات منصفه، دادرسی عادلانه، کرامت انسانی، فقه شیعی، حقوق اسلامی.

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. fr.nazeri@gmail.co

^۲ استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. ali@gmail.co

^۳ دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران. Maqaib@gmail.com

کرامت از ذات انسان برمی‌خیزد و بر آن نیز حمل می‌شود. این بدین روست که کرامت و ذات انسان با یک «جعل» پدید آمده‌اند و مفاد کان تامه است نه با دو جعل یا مفاد کان ناقصه باشد. پس هر آن‌چه که شالوده‌ی تشکیل دهنده انسان و ثبوت کرامت و انسان یگانه‌اند، اگرچه در مقام درک و تحلیل دوگانه‌اند. با دو روش عقلی و نقلی (دینی) می‌توان از ستون‌های تشکیل دهنده انسان و کرامت‌مندی وی آگاه شد. در این بین ما در این مقاله سعی کرده این چند اصول مهم کرامت انسانی را در فقه شیعی و حقوق در کنار دادرسی عادلانه مورد تدقیق و بررسی قرار دهیم. در پژوهش حاضر روش تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده به شیوه استنباطی-استنتاجی است. در این شیوه تلاش می‌شود که نتیجه به‌صورت بایسته و ضروری، از مجموعه‌ی فرضیه‌های ارائه شده تحقیق پیش‌رو ضمن استنتاج مبانی و مطالب تمهیدی در جهت اثبات آنها با جمع‌آوری داده‌های مرتبط با سؤالات تحقیق به دست می‌آید. شیوه گردآوری اطلاعات در این پژوهش نیز به شکل کتابخانه‌ای و اینترنتی است.

۱-۱-۱ کرامت

تکریم کردن انسان، یعنی گرامی داشتن و برتری دادن او کرامت از ذات انسان برمی‌خیزد و بر آن نیز حمل می‌شود. (شعرانی، ۱۳۹۸ه.ق: ص ۴۹) این بدین روست که کرامت و ذات انسان با یک «جعل» پدید آمده‌اند و مفاد کان تامه است نه با دو جعل یا مفاد کان ناقصه باشد. پس هر آن‌چه که شالوده‌ی تشکیل دهنده انسان و ثبوت کرامت و انسان یگانه‌اند، اگرچه در مقام درک و تحلیل دوگانه‌اند. با دو روش عقلی و نقلی (دینی) می‌توان از ستون‌های تشکیل دهنده انسان و کرامت‌مندی وی آگاه شد. کرامت‌مندی آدمی برگرفته از بنیادها و مختصات است که پس از این گفته می‌شود. بدین رو، وی متمایز و منحصر به فرد است. این تمایز و انحصار هم سنگ با شخص بودن انسان است که کانت به میان آورده است. بنابراین کریم بودن یعنی شخص موجودی فعال، موثر و خودشکوفاست. در برابر شی که موجودی منفعل و متاثر است. بدین رو، شخص به علت والایی وجود نمی‌تواند ابزار باشد، بلکه شایستگی غایت بودن را دارد در نتیجه هیچ‌گاه نباید با شخص همانند شی برخورد کرد در نتیجه می‌توان کرامت‌مندی انسان را هم ارز غایت بودن وی دانست (قماش، ۱۳۹۳: ص ۴۱).

۱-۱-۱-۱ مبنای فقهی کرامت انسان

احادیث و روایات متعددی از ائمه معصومین (ع) رسیده است که در آنها به کرامت والای انسان‌ها تأکید فراوان شده است و از هر عملی که منجر به هتک حرمت و کرامت انسان شود نهی گردیده است لذا در این قسمت ابتدا به بیان چند نمونه از آیات شریفه قرآن کریم که به مسئله کرامت انسانی اشاره دارد، پرداخته می‌شود و سپس به برخی روایات در این خصوص بیان می‌شود.

۱-۱-۱-۱-۱ قرآن کریم

قرآن کریم انسان را امانت‌دار الهی معرفی نموده است و از میان موجودات این امانت داری فقط به انسان اختصاص یافته است. در این که این امانت چیست مفسران نظرات متعددی دارند که از جمله آن می‌توان به تکالیف الهی، شناخت خداوند، امور دینی و فرایض شریعت، اطاعت حدود شرع و عقل، اعضای پیکر انسان، امانت‌هایی که مردم از یکدیگر می‌گیرند و اختیار آزادی اراده، اشاره کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰: ص ۴۵۲) هر کدام از این اقوال بالا که درست باشد نشان دهنده‌ی این است که انسان با عقل، اختیار و اراده آزاد خود این امانت را پذیرفته است. در میان همه موجودات جهان آفرینش تنها اوست که بر اثر دارا بودن اختیار و آگاهی، استعداد و توانایی آن را دارد که امانت‌دار الهی باشد.

در آیه ۷۲ سوره احزاب آمده است: «انا عرضنا الامانه علی السماوات و الارض و الجبال فایین ان یحملنها و اشفقن منها و حملها الانسان انه کان ظلوماً جهولاً: ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه کردیم پس از برداشتن آن سرباز زدند و از آن هراسناک شدند ولی انسان آن را برداشت به راستی او ستمگری ندادن بود. همچنین در آیه ۳۳ سوره ابراهیم نیز آمده «و سخر لکم الشمس و القمر دائبین و سخر لکم اللیل و النهار»: و خورشید و ماه را که پیوسته روان اند برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت. و در آیه ۱۳ سوره جاثیه آمده است: «و سخر لکم ما فی السموات و ما فی الارض» و آنچه را در آسمان‌ها و آنچه را در زمین است به سوی شما رام کرد.

همه این آیات نشان می‌دهد که انسان دارای آن چنان قرب و منزلتی است که به همین خاطر خداوند آن‌چه را در آسمان‌ها و در زمین است تحت اختیار او قرارداده و این ویژگی تسخیر موجودات را خداوند به انسان داده است و او را به گونه‌ای آفریده که قادر به تسخیر تمامی موجودات باشد.

۱-۱-۲ کرامت انسانی از نظر ائمه معصوم (ع)

احادیثی و روایات زیادی از ائمه معصومین هم وجود دارد که به کرامت انسانی اشاره دارند که در ادامه به چند نمونه از آنها می‌پردازیم.

امام علی (ع) نیز در وصیتی به دو فرزندش امام حسن و امام حسین (ع) آن‌ها را به خوش رفتاری با قاتل خویش دعوت می‌نماید و تأکید می‌کند که هیچ‌گونه عمل اهانت‌آمیزی نسبت به او روا ندارند با او رفتاری انسانی داشته باشند و به جنازه او نیز بی‌احترامی نکنند و از مثله کردن او حتی پس از مرگ بپرهیزند هرچند (قاتل) سگ دیوانه باشد (سید رضی، ۱۳۶۹: ص ۴۷). همچنین امام رضا (ع) در این باره می‌فرماید: ان رسول الله مر برجلین یتابان سمع احدهما یقول لصاحبه قبح الله وجهک و من یشبهک فقال: یا عبدالله لا تقل هذا لایحیک فان الله عزوجل خلق آدم علی صورته» (نوبهار، ۱۳۸۰: ص ۶۵).

جمله آخر حدیث بیانگر این حقیقت است که انسان حامل اسماء و آیین‌های صفات کمال الهی است بنابراین هر فرد انسانی، بالقوه دارای صفات الهی است و به خارط همین در نظر عرفا، کرامت انسانی از این ویژگی و خلقت الهی نشأت می‌گیرد (فیض، ۱۳۸۲: ص ۱۶۵).

۱-۲ دادرسی عادلانه

در قوانین و مقررات بین‌المللی و منطقه‌ای حقوق بشر و همچنین در قوانین اساسی و داخلی کشورها، دادرسی منصفانه یا عادلانه به روشنی تعریف نگردیده و صرفاً به بیان مهمترین ضابطه‌های آن پرداخته شده است. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، که بر اساس ماده ۲۸ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تشکیل شده و دارای صلاحیت تفسیر مواد کنوانسیون است و همچنین دیوان اروپایی حقوق بشر در آرای متعدد خود دادرسی منصفانه را طبق مصداق تعریف کرده‌اند و نه مفهوم، برای مثال علنی و توافقی بودن محاکمه، برابری سلاحها یا موازنه قوا، استقلال و بی‌طرفی دادگاه و به‌طور کلی رعایت حقوق و آزادی‌های شناخته شده در ماده ۱۴ کنوانسیون و ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر را از عناصر ذاتی و غیرقابل انتزاع محاکمه منصفانه تلقی کرده اند، بنابراین لازم نیست به تعریف دادرسی عادلانه بپردازیم.

در حقوق ایالات متحده آمریکا، دادرسی منصفانه و عادلانه به صورت زیر تعریف شده است: «دادرسی عادلانه، یک دادرسی عادی و معمولی است که در یک فضای آرام^۱ و در برابر یک قاضی و نیز هیأت منصفه بی‌طرف که تنها هدف و نفع آنان اجرای صحیح و درست قانون است. برگزار گردد، اساس و پایه دادرسی عادلانه این است که هیچ نفوذ و عامل خارجی روی قاضی و هیأت منصفه اثر نگذارد و هیچ دلیلی مورد بررسی و ارزیابی قرار نگیرد، مگر دلایلی که ارائه شده و در جریان دادرسی پذیرفته شده است.» (امیدی، ۱۳۷۹: ص ۳۶).

در تعریف دیگری نیز در این زمینه آمده است: «نه فقط در دادگاه هیأت منصفه عادل و بی‌طرف، درستکار و دانشمند باید حضور داشته باشد بلکه باید فضای آرامی در آن برقرار باشد که در آن گواهان بتوانند گواهی خود را بدون ترس و نگرانی از تهدید بیان دارند، وکلای دادگستری نیز بتوانند حق متهم را آزادانه و به صورت کامل، تشریح کنند و در این دادگاه حقیقت و واقعیت بتوانند بدون ترس از خشنونت مورد استقبال و باور قرار گیرد.» (امیدی، ۱۳۷۹: ص ۳۷).

۳-۱- بررسی اصول مهم کرامت انسانی در فقه شیعه و حقوق

در این بخش به بررسی اصول مهم کرامت انسانی در فقه شیعه و حقوق می‌پردازیم:

^۱ - منظور از فضای آرام، حاکمیت شرایط و اوضاع و احوالی بر دادگاه است که طرفین دعوا بتوانند آزادانه دلایل خود را مطرح کنند و قاضی بی طرفانه آنها را مورد نقد و بررسی قرار دهد.

۱-۳-۱-ارعایت مساوات

یکی از مسائل زیر بنائی که باید در دادرسی به آن پرداخت یکسان نگری به اصحاب دعوی است. بر قاضی لازم است از نظر نشستن اجازه دهد، طرفین پرونده به طور یکسان در مقابل او بنشینند و سخنان آنان یکسان گوش دهد و به طور یکسان به آن دو بنگرد و تفاوتی بینشان نگذارد. از نظر تعیین وقت رسیدگی بین مردم تفاوتی نگذارد و وقت دادگاه را بر اساس نوبت تنظیم کند (حلی، ۱۴۱۳ق: ص ۲۳۷).

۲-۳-۱-ارعایت بی طرفی قضائی

یکسان اندیشی: قاضی از نظر اراده و میل قبلی نباید علاقه قلبی خود را متوجه یک طرف نموده و در اندیشه پیروزی یکی از متخاصمین باشد. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی می فرماید: اگر هنگام قضاوت، حق هم به جانب اقوام خاصی باشد داور نباید از خدا بخواهد که حق در کفه او باشد و خصم او محکوم گردد و حتی در این مرحله هم نباید تفاوت قائل شود (کلینی، ۱۳۶۷: ص ۴۱۰).

۳-۳-۱-ارعایت حقوق متهم

ضرورت رفتار انسانی با متهمان و محکومان از مسائل مهم دادرسی اسلامی و عادلانه است. اصل اول در برخورداری انسانها احترام به شخصیت آنان است و تعرض به آن استثناء محسوب می شود. امام راحل در موارد متعددی به لزوم رعایت حفظ حقوق متهمان و محکومان نموده اند و از جمله فرموده اند: «همین طور متصدیان حبسها و زندانها باید این معنا را توجه داشته باشند، چه اشخاصی که در رأی هستند و چه اشخاصی که مشغول اجرای عمل هستند باید به این معنا توجه بکنند که حدود الهی معنایش این نیست که یکی کسی که مستحق قتل است ما فحش بدهیم جایز نیست این، یا به او سیلی بزنیم، حق نیست یعنی قصاص دارد این یک نفر آدم جانی که دارند می برند، بکشندش، اگر شما یکی سیلی بزنید او حق دارد به شما سیلی را عوض بزند، و خلاف شرع کردید. گمان نکنید حالا که این آدم توی حبس آمده است ما باید با اول رفتار بد کنیم، انشاء الله نمی کنید و نباید بکنید.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۸: ص ۴۲۵)

اصل ۳۹ قانون اساسی می گوید: «هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده و به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است.»

۴-۳-۱-استماع اظهارات طرفین

قضاوت فصل خصومت بین‌الطرفین است، لذا اصلی‌ترین عنصر مؤثر در صحت کار قاضی، استماع اظهارات طرفین و تکمیل تحقیقات است. بر قاضی است که پس از شنیدن سخنان یکی از طرفین اقدام به اظهار نظر قضائی یا صدور حکم نکند مگر آن که اظهارات طرف دیگر را نیز بشنود. در روایتی از رسول گرامی اسلام وارد شده است: «یا علی اذا جلس الیک خصمان فلا تقضی بینهما حتی تسمع من الآخر كما سمعت من الاول فانک اذا فعلت ذالک تبین لک القضاء.» مستحب است قاضی با دقت تمام و کمال سخنان متخاصمین را گوش دهد، بلکه جایز نیست قاضی به سخنان یکی از طرفین گوش دهد ولی از گوش دادن به سخنان طرف دیگر سرباز زند.

۳-۵-۱ یکسان‌نگری در دادگری

قاضی باید نسبت به مسائل مختلفی که با آن روبرو می‌شود و اشخاص مختلفی که در مسأله ذینفع هستند، حالت یکسان‌نگری داشته باشد و هیچ وقت تحت تاثیر موقعیت و مقام و شخصیت یکی از دو طرف قضیه قرار نگیرد. قاضی باید تمرین کند تا این حالت در او ایجاد شود و خود را به نقطه ای برساند که عوامل بیرونی و جانبی تأثیری در کار قضاوتش ایجاد نکنند و همه مردم را یکسان ببیند و این بیان رسول گرامی صلی الله علیه و آله و سلم را آویزه گوش‌های خویش قرار دهد که فرمود: «الناس کاسنان المشط سواء؛ مردم همانند دانه‌های شانه یکسانند.» (صدوق، ۱۴۰۴ ه.ق: ص ۳۷۹)

۳-۶-۱ مساوات در اجرای حکم

یکی از مسائل حساسی که آینه ارزشی دستگاه قضائی و محل تجلی زحمات قضات و آخرین نقطه امید اصحاب دعوا است مرحله اجرای حکم است رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «یا ایها الناس انما هلک الذین قبلکم انهم کانوا اذا سرق فیهم الشریف ترکوه واذا سرق فیهم الضعیف اقاموا علیه الحد، ای مردم امت‌های قبل از شما به هلاکت رسیدند چون هر گاه بزرگی سرقت می‌کرد نادیده م‌گرفتند و رهایش می‌نمودند ولی اگر ضعیفی مرتکب سرقت می‌شد حد بر او اقامه می‌کردند.» (نقل از کتاب آداب القضاء چاپ معاونت آموزش قوه قضائیه)

از این بیان رسول گرامی اسلام استفاده می‌شود که:

- ۱- عدم رعایت عدالت در اجرای حکم، غضب خداوند را دنبال دارد.
- ۲- عدم رعایت عدالت در اجرای احکام موجب هلاکت امت‌ها و نابودی تمدن‌ها گردید و این یک سنت الهی است.
- ۳- از نظر قانون الهی همه در مقابل حکم دادگاه برابرند و هیچ کس برتری به دیگری ندارد و وضعیت شخصی افراد نمی‌تواند ملاک اجرای یا تعطیلی احکام قرار بگیرد.
- ۴- علاقه‌مندان به ثبات تمدن و برقراری استمرار حکومت باید در راه عدالت و تساوی در اجرای حکم دادگاه تلاش کنند.

۷-۳-۱ صدور حکم به حق و عدم تأخیر در آن

حکم نمودن به حق بر قاضی واجب و لازم است یعنی بر اساس احکام الهی حکم نماید و به تعبیر قرآن کریم: «... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الکافرون، کسانی که بر اساس دستور خدا حکم نکنند کافرنند.» (مائده: ۴۴)

«... و من لم یحکم بما انزل الله فاولئک هم الظالمون، کسانی که بر اساس دستور خدا حکم نکنند، ظالمند.» (مائده: ۴۵)

«... و من لم یحکم بما انزل الله هم الفاسقون، کسانی که بر اساس دستور خدا حکم نکنند فاسقند.» (مائده: ۴۷)

به مجرد آن که دعوی نزد دادگاه صالح مطرح شود دادرسی موظف است به موضوع رسیدگی نموده با اجرای قانون، فصل خصومت نماید و تکلیف نزاع را روشن کند، با وجود این اصل، یکی از آثار مهم دعوا این نکته است که دادگاه ناگزیر از صدور رأی خواهد بود و هیچ دادرسی حق ندارد به بهانه سکوت و اجمال یا تناقض قوانین از اعلام تصمیم و نظر خویش، خودداری کند.

ماده ۳ قانون آئین دادرسی مدنی به دادرسی که به این تکلیف عمل نکند «مستنکف» از احقاق حق اطلاق نموده و ماده ۵۹۷ قانون مجازات اسلامی کیفر چنین دادرسی را انفصال از شغل قضائی و محکوم شدن به جبران خسارت دادرسی وارده به اشخاص قرار داده است. بدیهی است نتیجه خودداری از صدور رأی، بر هم خوردن نظم عمومی، توسل به زور و انتقام جوئی برای احقاق حق و زمینه پیدایش انواع مفسد خواهد بود.

۸-۳-۱ حق بهره مندی از وکیل

از مواردی که برای حفظ حقوق دفاعی متهم لازم است، شرکت وکیل مدافع برای دفاع از او می باشد. زمانی فردی به ارتکاب اعمال مجرمانه متهم می شود، ممکن است به علت عدم آشنایی و اطلاع کافی از حقوقش و نحوه برخورداری از آنها، حقوق فردی خود را به عنوان متهم از دست دهد و بلکه ممکن است به دلیل عدم آگاهی از قوانین، در اظهارات خود الفاظی را بیان کند که اسباب تضرر و در نهایت زمینه را برای محکومیت خود فراهم کند؛ به لحاظ چنین شرایطی در جهت جلوگیری از تضییع حقوق متهم و تأمین امنیت قضایی یک دادرسی عادلانه، ضرورت همکاری فردی با دانش حقوقی می تواند نقش سازنده ای ایفا کند. در شریعت اسلام وکالت در دعاوی به صورت نهادی قانونی که بنای عقلاء در نخستین جوامع بشری پایه گذار آن بوده است؛ مانند دیگر عقود امضایی مورد قبول شارع مقدس قرار گرفته است؛ زیرا در شریعت اسلام نه تنها این شیوه رد و منع نشده؛ بلکه به موجب نصوص تأیید هم شده است.

فقهای اسلام اعم از شیعه و اهل سنت توکیل را در همه ی امور جز در مواردی که غرض شارع به طور مستقیم به آنها تعلق گرفته و مباشر مکلف را در انجام آن عمل جایز دانسته اند (طوسی، ۱۳۸۰: ص ۸۹).

بر این اساس از اطلاق کلام آنها که وکالت را در اموری که قابل نیابت هستند، صحیح دانسته‌اند می‌توان مشروعیت وکالت را در موضوع مورد بحث به دست آورد؛ زیرا برخورداری متهم از وکیل در دعاوی به منظور دفاع از او و ارائه شواهد قانونی در زمره‌ی اموری است که نیابت در آن صحیح است (طوسی، ۱۳۸۰: ص ۹۱).

شیخ طوسی در کتاب مبسوط، مبحث وکالت پس از آن که وکالت را جایز و اجماع امت اسلام را بر آن ادعا کرده است، کراهت ترک آن را با اتکا به سیره و سنت معصومان (ع) ثابت می‌کند. وی وکالت را در همه ابواب فقه به تفصیل ذکر کرده و پس از استثنا کردن برخی موارد مانند وکالت در طهارت، نماز، روزه، اعتکاف، غصب و چند مورد دیگر، بقیه امور را جایز دانسته است و در مورد جواز وکالت در دعاوی می‌نویسد:

«وکیل گرفتن در دعوا صحیح است و هر عملی که بتوان با نایب گرفتن آنرا انجام داد، قابل وکالت است.»

۱-۳-۹ حق داشتن وکیل در قوانین شکلی ایران

در قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری در بخش تحقیقات مقدماتی حق داشتن وکیل به صورت ذیل است: «متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد، وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود.» همچنین اصل ۳۵ قانون اساسی نیز تأکید می‌کند که طرفین دعوی می‌توانند برای خود وکیل اختیار کنند. در ماده ۳۱ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب سال ۱۳۷۹ مقرر گردیده: «هر یک از متداعیین می‌توانند برای خود حداکثر تا دو نفر وکیل انتخاب و معرفی نمایند.» همچنین در ماده ۱۸۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، مقرر شده: «در کلیه امور جزائی طرفین دعوا می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند، وقت دادرسی به متهم، شاکی، مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان ابلاغ خواهد شد، در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هر یک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.» همچنین در ماده ۱۸۶ قانون فوق‌الذکر متهم می‌تواند از دادگاه تقاضای وکیل نماید و دادگاه با بررسی عدم توانایی متهم جهت معرفی وکیل نسبت به تعیین وکیل جهت وی اقدام نماید، مضافاً در تبصره ۱ ماده مذکور در جرائی که مجازات آن به حسب قانون قصاص نفس، اعدام، رجم و حبس ابد می‌باشد در صورت عدم تعیین وکیل توسط متهم دادگاه الزاماً نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام می‌نماید.

بنابراین در این قانون عملاً حق مداخله وکیل در مرحله تحقیقات مقدماتی از وی سلب شده که با اصول کرامت انسانی و مبانی فقهی مغایرت دارد، چه بسا بیشترین لطمه‌ای که به حقوق و کرامت انسانی وارد می‌شود، مرحله تحقیقات مقدماتی است که

به لحاظ محرمانه بودن نظارت بر آن محدود و موجب عدم پاسخگویی قضات پیرامون اقدامات خود می‌باشد و در بسیاری از موارد شاهد عدم رعایت حقوق شهروندی خواهیم بود.

۱-۳-۱۰ حق واخواهی برای متهم غایب

واخواهی به تقاضایی گفته می‌شود که محکوم علیه غایب نسبت به حکم غیابی در دادگاه صادرکننده حکم مطرح می‌کند؛ یا به عبارتی دیگر، واخواهی تقاضایی است که ویژه احکام غیابی بوده و احکامی که در حضور متهم و یا وکیل او صادر می‌شوند، قابل واخواهی نیستند (فرهنگ عمید، ۱۳۸۶: ص ۸۱).

۱-۳-۱۱ حق واخواهی از احکام در قوانین شکلی

در ماده ۳۰۵ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۹ مقرر شده: «محکوم علیه غایب حق دارد به حکم غیابی اعتراض نماید. این اعتراض واخواهی نامیده می‌شود. دادخواست واخواهی در دادگاه صادر کننده حکم قطعی قابل رسیدگی است.

مطابق ماده ۲۱۷ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب سال ۱۳۷۸ در کلیه جرائم مربوط به حقوق الناس و نظم عمومی که جنبه حق الهی ندارند. هر گاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده یا لایحه نفرستاده باشند دادگاه رأی غیابی صادر می‌نماید. این رأی پس از ابلاغ واقعی ظرف ده روز قابل واخواهی در دادگاه صادر کننده رأی می‌باشد و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر قانون تجدیدنظر احکام دادگاه‌ها قابل تجدیدنظر است.

۱-۳-۱۲ رعایت شان و جایگاه عدالت در دادگستری

رعایت عدالت در تمام مراحل دادرسی از جمله قسمت کارشناسی از اهمیت بالایی برخوردار است. کارشناسان رسمی دادگستری نیز، بازوی توانمند دستگاه قضایی و اجرای عدالت هستند و کارشناسان رسمی دادگستری می‌توانند با نظریه‌های کارشناسی در جهت تحقق عدالت گام بردارند. اگر کارشناس دادگستری با علم، مهارت و تخصص خود مسائل و مشکلات را به درستی تبیین کند در اجرای عدالت و ثواب آن سهم و شریک خواهد بود.

قضات دادگستری برای رسیدگی به پرونده‌ها و ابعاد پرونده‌ها نیاز به استفاده از نظرات کارشناسان دارند و قضات بر اساس نظر کارشناسان نسبت به صدور حکم قضایی اقدام می‌کنند. در نتیجه هر چه اطلاعات کارشناسان دقیق‌تر و علمی‌تر باشد به عدالت نزدیک‌تر است. رعایت اخلاق حرفه‌ای، عمل به قانون و پرهیز از سلاقی شخصی، حرکت در مسیر احقاق حق و اجرای

عدالت، ارتقاء آگاهی‌های علمی و تخصصی و آراسته شدن به زینت تقوی و ایمان و امانت داری و رازداری از مهمترین انتظارات ما از کارشناسان عزیزی است که در این حوزه فعالیت می‌کنند (علی پور، ۱۳۹۵: ص ۳۴).

۱-۳-۱ لزوم رعایت دادرسی عادلانه

یکی دیگر از مقتضیات اصل کرامت انسانی در قلمرو حقوق کیفری شکلی، حق بهره‌مندی شهروندان از «دادرسی عادلانه و منصفانه» است. این حق، که یکی از حقوق اصلی بشر است، در بسیاری از اسناد بین‌المللی در سطح جهانی و منطقه‌ای، در بند ۱ ماده ۱۴ کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و بند ۱ ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و نیز ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ب ماده ۱۹ اعلامیه اسلامی حقوق بشر پیش‌بینی گردیده است، در قوانین اساسی و عادی کشورهای مختلف از جمله ایران (به موجب اصل ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹) نیز پاره‌ای از اصول و قواعد حاکم بر دادرسی عادلانه مقرر گردیده است. (رحیمی‌نژاد، ۱۳۸۷، ۲۱۸-۲۱۷)

هر چند تا کنون تعاریف مختلفی از دادرسی عادلانه و منصفانه شده، لیکن می‌توان «گفت دادرسی عادلانه و منصفانه عبارت است از این‌که دعوی مطروحه میان طرفین دعوا در یک دادگاه صالح و مستقل و بی‌طرف، که مطابق قانون تشکیل گردیده و در یک فضای آرام و شرایطی برابر توسط قضات متخصص و دانا به‌صورت علنی و با رعایت کلیه تضمین‌های شکلی و ماهوی مربوط به حقوق اصحاب دعوا مورد رسیدگی قرار گیرد.» به بیان دیگر، دادرسی کیفری زمانی منصفانه خواهد بود که با رعایت کلیه معیارها و استانداردهای جهانی دادگستری انجام شود. (رحیمی، ۱۳۸۷، ۲۲)

تشکیلات دادگاه‌ها، آئین رسیدگی به اتهامات افراد و تسهیلات و امتیازات اعطایی به آنان جز در موارد رسیدگی به جرایم خاص مثل جرایم نظامی و جرایم اطفال باید نسبت به همه شهروندان یکسان باشد، بنابراین تشکیل دادگاه‌های اختصاصی برای رسیدگی به اتهامات وارده بر قشر یا طبقه خاصی از افراد، آن هم با وجود عمومی بودن جرائم آنان، مغایر با اصل برابری افراد در مقابل دادگاه است، به عبارت دیگر همان‌گونه که تساوی افراد در برابر دادگاه ضروری است، تساوی دادگاه در برابر شهروندان نیز علی‌الاصول امری ضروری است. (آشوری، ۱۳۸۹: ص ۱۰۲)

علنی بودن محاکم دادرسی به این معناست که تمامی افراد و اشخاصی که مایل به شرکت در جلسات دادرسی هستند، بتوانند بدون هیچ گونه مانعی در جلسات دادگاه حضور یافته و از نزدیک شاهد جریان عدالت کیفری باشند، علنی بودن دادرسی از این جهت حائز اهمیت است که منصفانه بودن دادرسی و استدلال و بی‌طرفی قاضی را تضمین می‌کند و به دلیل اینکه اجرای عدالت کیفری را از نظر عموم مردم عینی‌تر و ملموس‌تر می‌نماید، باعث اعتماد مردم نسبت به سیستم عدالت کیفری حفظ شود. اصل علنی بودن محاکمه در نظام حقوقی ایران علاوه بر قانون اساسی در قوانین عادی نیز پیش‌بینی شده است، به موجب اصل ۱۶۵

قانون اساسی ایران «محاکمات علنی انجام می‌شود و حضور افراد بلامانع است، مگر این‌که به تشخیص دادگاه علنی بودن آن منافی عفت یا نظم عمومی باشد.» (رحیمی نژاد، ۱۳۸۷: ص ۲۲۷)

یکی دیگر از مقتضیات دادرسی عادلانه آن است که رسیدگی به اتهام متهم باید در یک مدت معقول و بدون تأخیر ضروری انجام شود. اهمیت این امر از آن جهت است که اطلاع دادرسی و تأخیر بدون دلیل در یک محاکمه متهم، دادرسی عادلانه و منصفانه را از غایت نهایی آن، که تضمین حقوق اصحاب دعوا از یک طرف و حقوق جامعه از سوی دیگر است منحرف می‌سازد. در مورد اعمال و رفتار مقامات قضایی صالح نیز باید یادآوری نمود که دولت‌ها مکلفند نظام و تشکیلات قضایی خود را به گونه‌ای طراحی نمایند که بتوانند به دعاوی در مدت معقول و با سرعت عادی رسیدگی نموده و اتخاذ تصمیم نمایند، پس تراکم پرونده‌ها جز به صورت موقتی، دلیل موجهی برای اطلاع دادرسی نیست (آشوری، ۱۳۸۹: ص ۱۴۹).

در سیستم دادرسی کیفری ایران، برابر مقررات ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب، اصل بر قطعی بودن احکام است و تجدیدنظر این امر استثنایی است که با موازین دادرسی عادلانه متعارض است.

همچنین در نظام حقوقی ایران برابر مقررات ماده ۲۳۹، تبصره ماده ۲۳۲ قانون آئین دادرسی کیفری، مقصود از آرای قابل تجدیدنظر اعم از محکومیت، براءت، منع تعقیب، موقوفی تعقیب است که علاوه بر متهم، شاکی خصوصی نیز دارای حق تجدیدنظرخواهی است.

در مورد آراء صادره از دادگاه‌های انقلاب در خصوص جرایم مربوط به مواد مخدر، از حیث قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن باید قابل تفکیک شد، به این معنا که قرارهای منع تعقیب، موقوفی تعقیب، قرار بازداشت موقت، قرار تشدید تأمین، قرار ابقای تأمین، عدم صلاحیت، قرار اناطه و همچنین احکام صادره در غیر جرائم مربوط به مواد مخدر برابر مقررات عام قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری قابل اعتراض است اما احکام صادره در مورد جرائم مربوط به مواد مخدر از حیث قابلیت تجدیدنظرخواهی تابع مقررات خاصی است و بدیهی است که این امر خلاف اصول آئین دادرسی عادلانه است (آخوندی، ۱۳۸۹: ص ۲۷۹).

نتیجه‌گیری:

مسأله کرامت انسان، نه تنها به منزله یک حق یا مجموعه‌ای از حقوق غیر قابل سلب و انتقال است، بلکه محور و مبنای انسانی و بشری دارد. لذا کرامت ذاتی، مبنای حقوق بشر محسوب می‌شود. انسان از لحظه آفرینش حتی در دوران جنینی، از حقوقی بهره‌مند بوده و در دوران پسا اجتماع و پدید آمدن حکومتها و فرمانروایی هیأت حاکمه، مدعی حق‌های بشری خود هستند.

پیشرفت و توسعه پایدار در هر جامعه‌ی نیز در گرو رعایت آن است. در نظر داشتن مسأله مهم کرامت انسانی که در ثبوت است و به‌طور حتم وجود دارد در صدور حکم تأثیرات مهمی دارد که از مصادیق آن می‌توان به ممنوعیت شکنجه و آزار و اذیت متهم به منظور اخذ اقرار و گرفتن اطلاعات اشاره کرد.

با توجه به تاثیر و تأثیری که اصول و قواعد کیفری از ارزشهای بشری می‌پذیرند و با توجه به این که کرامت انسانی از مهم‌ترین ارزشهای بشری شناخته می‌شود، فلذا آیین دادرسی کیفری عادلانه یا منصفانه به عنوان یکی از دستاوردهای مهم توجه به کرامت انسانی و در زمینه آن مفهوم و معنا می‌یابد و به معنای تضمینات کلی است که جهت رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیزم قضایی پیش‌بینی شده است.

منابع

- آشوری، محمد (۱۳۸۹)، *حقوق بشر و مفاهیم مساوات، عدالت و انصاف*، تهران: نشر میزان.
- آخوندی، محمود (۱۳۸۷) *آیین دادرسی کیفری کاربردی*، چاپ دوم، جلد پنجم تهران: نشر میزان.
- امیدی، جلیل (۱۳۷۹)، «حقوق متهم در دادگاه با تکیه بر اسناد بین‌المللی و منطقه‌های مربوط به حقوق بشر»، *کانون وکلا*، شماره ۱۷۱.
- براری لامیری، محمد، و قبولی درافشان، سیدمحمدتقی (۱۳۸۹) «حقوق متهم با رویکردی فقهی»، *مطالعات فقه و علوم اسلامی*، سال ۲، شماره ۲.
- شعرانی، ابوالحسن (۱۲۹۸ ه.ق) *پژوهش‌های قرآنی علامه شعرانی در تفاسیر مجمع‌البیان، روح‌الجنان و منهج‌الصادقین*، محقق: محمدرضا غیاثی کرمانی، ایران، قم.
- شیخ صدوق، ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، (۱۴۰۴ ه.ق)، *من لایحضر الفقیه*، چاپ دوم، موسسه النشر الاسلامی: قم.
- علی‌پور، سمیرا (۱۳۹۵) «بررسی تطبیقی حمایت از کرامت انسانی در حقوق کیفری ایران و اسناد بین‌المللی حقوق بشر». *نخستین کنفرانس سراسری حقوق و مطالعات قضایی*، شیراز، پردیس بین‌الملل توسعه ایده هزاره.
- رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، *کرامت انسانی در حقوق کیفری*، تهران: نشر میزان.
- طوسی، محمدبن حسن (۱۳۸۰)، *الفهرست*، چاپ نجف: محمدصادق آل بحر العلوم.
- فیض‌رضا (۱۳۸۲) «مفهوم کیفر در عرفان (ابن عربی)»، *مجله تخصصی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، پاییز و زمستان.
- قماش، سعید (۱۳۹۳)، *کرامت انسانی و نقش آن در جرم‌نگاری*، تهران: انتشارات میزان.

قمی، عباس (۱۳۹۳) ترجمه سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار: الف-ج (جلد ۱) ناشران: نوید اسلام، مؤسسه انتشاراتی کتاب عقیق.

حلی ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن الحسن (محقق حلی)، (۱۴۱۳ ق.)، الرسائل التسع، تحقیق رضا الاستادی، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی.

سید رضی (۱۳۶۹) نهج البلاغه، ترجمه مصطفی زمانی، ناشر مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (ع).

کلینی، ابن اسحاق (۱۳۶۸) الفروع من الکافی ج ۵، نشر دار الکتب الاسلامیه.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه.

موسوی خمینی، روح الله (ره) (۱۳۷۸). صحیفه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

نوبهار، رحیم (۱۳۸۰) بسوی مجازات‌های هرچه انسانی‌تر، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها، قم دانشگاه مفید.

Examining the important rules of human dignity regarding fair trial in Shiite jurisprudence and law

Abstract

Enjoying the right to human dignity is one of the most important human rights. Fundamental human rights, which are closely related to the inherent dignity and moral activity of man, are theoretically undeniable and undeniable, and the government can not encroach on them. These rights are not created by the government to deprive it. The issue of fair trial is one of the most important issues in jurisprudence and law; The trial of criminals in the presence of a jury, as well as the extradition of these criminals, is one of the most important concessions that legislators make to this group of individuals and is directly related to human dignity. Our question in this article was what are the important rules of human dignity regarding fair trial in Shiite jurisprudence and law? Observance of equality, observance of judicial impartiality, observance of the rights of the accused, hearing the statements of the parties, uniformity in the judiciary, equality in the execution of the sentence, issuance of the verdict and not delay in it, the right to use a lawyer, the right to have a lawyer in Iran. The absent defendant, the right to appeal the verdicts in the formal laws, their observance and the place of justice in the judiciary, and finally the need to observe a fair trial constitute these rules, which we have discussed in detail in this article.

Keywords: Jury, Fair Trial, Human Dignity, Shiite Jurisprudence, Islamic Law.